

حرکت به پیش- بخش پایانی- ترجمه بهروز بکتاشی

## تحولات انقلابی در روسیه چه اشکالی خواهد داشت؟

"زوگانف" دبیر اول

حزب کمونیست فدراتیو روسیه

**چین**

در پایان سال 1949 انقلاب در چین به پیروزی رسید. جمهوری خلق چین سریع رشد کرد. کمک برادرانه اتحاد شوروی نقش بسزائی در این پیشرفت داشت. بطوری که چین همچنان این خدمات را به یاد دارد و از آنان قدر دانی می کند، گرچه دولت شوروی سوسیالیستی را نفی می کند. امروز چین سوسیالیستی از آمریکا سبقت گرفته است. از آغاز رفرم در سال 1989 تا 2001 چین در تولید ناخالص ملی 9 برابر شده است. هدف حزب کمونیست عبارت است از ایجاد يك جامعه متوسط در کشور. کشوری که يك پنجم جمعیت جهان، یعنی يك میلیارد و 300 میلیون نفر در آن زندگی می کنند.

تنها در سال گذشته سهم سرمایه های خارجی در اقتصاد چین به بیش از 50 میلیارد دلار و حجم تجارت خارجی به 850 میلیارد دلار رسید. اجناس چینی با تکنولوژی عالی بازارهای آمریکا، ژاپن و اروپا را اشغال کرده اند.

سالهای متمادی بخش عظیم جمعیت این کشور در گرسنگی بسر می برد، اما اکنون 20 سال است که در سایه اصلاحات ارضی، اقتصاد جمعی و نظم خانوادگی دیگر از گرسنگی خبری نیست.

جمهوری خلق چین همچنان از کمک های اتحاد شوروی در دهه 50 به نیکی یاد می کند و احترام زیادی برای استالین قائل است. چینی ها فراموش نکرده اند که این استالین بود که بر یکپارچگی چین بعد از جنگ جهانی دوم پافشاری کرد.

حزب کمونیست چین زنده و همچنان در حال رهبری کشور است و دارای 60 میلیون عضو و 70 میلیون عضو سازمان جوانان است.

بعد از 15 تا 20 سال جمهوری خلق چین از نظر رشد اقتصادی در يك سطح همپراز با ایالات متحده قرار خواهد گرفت و این موجب برابری نوین نیروها در جهان، مقدمه ای برای تسریع ارتباطات متقابل بین روسیه، چین و هندوستان به عنوان نیروئی در برابر "نظم نوین جهانی" به شیوه آمریکائی خواهد شد. البته شاهدیم که تهدید چین از جانب آمریکا، بویژه پس از گسترش پایگاه های ناتو در آسیای میانه تشدید شده است.

برای کشورهای پهناور و متنوعی نظیر چین و روسیه، تنها راه غلبه بر عقب ماندگی راه رشد سوسیالیسم است و نه کاپیتالیستی. برای روسیه آن اشکال اقتصادی که موجب رشد نیروهای مولده می گردند سودمند می باشد. از اینرو چین خلاف مسیر یلتسین و پوتین را طی می کند. نیروهای مولده در روسیه بطور فاحشی از بین می روند.

فرمول موفقیت کمونیست های چین که تحت رهبری "تن شیا ئو پینگ" تدوین شده اند عبارت است از سوسیالیسم چینی، بازار تحت کنترل دولت، تکنولوژی مدرن و مدیریت قوی.

### اوضاع اقتصادی و اجتماعی روسیه

وضعیت اقتصادی در روسیه عبارتست از رشد تولید ناخالص داخلی 6-7 درصد. افزایش درآمدهای واقعی جمعیت بطور متوسط 9 درصد. صادرات دو نیم برابر واردات. افزایش ذخیره طلا در بانک مرکزی بیش از يك و نیم برابر- معادل تقریباً 120 میلیارد دلار- رشد صادرات 5 برابر رشد اقتصادی در کشور است و این تنها یکی از علائم متضاد بودن و

بیماری بودن اقتصاد کنونی در روسیه است. سهم تولید ماشین سازی در صادرات روسیه تقریباً 7 درصد است. از یک سوم تا 90 درصد کالاهای صادراتی عبارتند از نفت، گاز، مواد خام، آهن آلات، مواد شیمیایی و چوب. اگر فردا تقاضای بازار جهانی سقوط کند آنگاه نابودی تمامی اقتصاد روسیه را ناظر خواهیم بود. از 50 تکنولوژی که جهان بر اساس آن زیست و رشد می یابد، اتحاد شوروی 32 تکنولوژی را در اختیار داشت، در صورتیکه روسیه امروز بطور واقعی تنها 8 تکنولوژی جهانی را در اختیار دارد.

طی 12 سال اخیر، شمار معلولین مبتلا به بیماریهای روانی در کشور دو برابر شده است. بیمارهای روانی بین نوجوانان و حتی کودکان دو نیم برابر بزرگسالان شده است. هفت میلیون و نیم روس - 5 درصد جمعیت کشور - به مراکز روانشناسی و ترک اعتیاد مراجعه می کند. 500 هزار نفر در فاصله زمانی 1995 تا 2003 خود کشی کرده اند. نابودی، فراموشی، عدم فعالیت اجتماعی و غفلت سیاسی جامعه آخرین امید و تکیه گاه رژیم است.

خط مشی نوین دولت عبارتست از ادامه حمله وسیع به حقوق اجتماعی زحمتکشان. دولت آخرین امکانات حقوق اجتماعی و اقتصادی از دوران سوسیالیسم را از مردم سلب می کند. افزایش بهای نفت تنها عده معدودی را ثروتمند کرده است. قیمت مواد خوراکی و دارو، انرژی و سوخت، خدمات شهری و ترانسپورت جهشی افزایش می یابد. نابودی کامل درمان و تحصیل رایگان و مسکن رایگان در دست اجراست. تامین اجتماعی دولتی در حال از بین رفتن کامل است. هر روزه 2500 نفر از جمعیت روسیه کاسته می شود. طی دوران رفرم، روسیه 9 و نیم میلیون نفر از جمعیت خود را از دست داده است.

دوره پوتین مشخص می شود توسط روندهای نوینی که در ارتباط تنگاتنگ با وضعیت نوین اقتصادی، بویژه با درآمدهای عظیم نفتی که باید نتیجه گیری های زیرین آن را اینگونه ترسیم کرد:

1- روسیه بعد از سال 98 وارد رشد اقتصادی بر پایه و اساس سرمایه داری گردید. اگرچه این رشد متضاد و بی ثبات است و یک دست نیز نیست.

2- این رشد روحیه ابوزیستیونی را در جامعه تسریع نمود و موجب گسترش پایگاه اجتماعی کمونیست ها و تمامی نیروهای چپ شد.

3- لازم است صادقانه اعتراف نمود که حزب کمونیست فدراتیو روسیه هنوز نتوانسته در میان اپوزیسیون فعالیت وسیع انجام دهد و به همین دلیل شاهد ناکامی ها در سالهای اخیر هستیم.

4- در روسیه رژیم بنابارتیسم مستقر گردیده است که مانع اصلی رشد جامعه است.

5- تضاد در درون رژیم حاکم رو به رشد است و برای اولین بار اپوزیسیون بورژوا- لیبرال شکل می گیرد. برای کمونیست ها موقعیت تاریخی استفاده از این تضادها در طبقه حاکم بوجود آمده است.

6- روسیه در برابر ضرورت عینی انقلاب بورژوا- دموکراتیک که عبارت است از سرنگونی رژیم بنابارتیسم قرار دارد. رژیم بنابارتیسم در برابر تمامی طبقات و اقشار جامعه ایستاده است.

7- انقلاب بورژوا- دموکراتیک را سرمایه داری رهبری نخواهد کرد، بلکه تنها با شرکت وسیع توده ها، تحت رهبری کمونیست ها و دیگر نیروهای واقعی چپ و میهن پرست عملی خواهد شد.